

چکیده

تا زمانی که برنامه ریزی توسعه روستایی با سایر برنامه ریزی‌های ناحیه‌ای که در نواحی روستایی در حال اجرا هستند هماهنگ نشود، نمی‌تواند چندان مؤثر واقع شود. زیرا برنامه ریزی توسعه روستایی ملزم به تأثیر گذاری در اقتصاد آن ناحیه و چشم اندازهای آن می‌باشد. از طرف دیگر در فرآیند برنامه ریزی برای توسعه روستایی، شناخت ویژگی‌های ساختاری سطوح توسعه یافتگی و آگاهی از پتانسیل‌ها و توان‌های محیطی هر منطقه اهمیت زیادی دارد. در بررسی حاضر با استفاده از ۲۳ شاخص و متغیر که لازمه شناخت توسعه روستایی است، زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و خدماتی با بهره‌گیری از مدل موريس تعیین و تحلیل بر روی آنها انجام شده است. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که تفاوتها و اختلافات زیادی در سطوح توسعه یافتگی وجود دارد، در صورت ادامه این روند ضرورت تعدیل نابرابریها را از طریق اجرای برنامه‌های مفید توسعه روستایی ضروری می‌سازد. نتیجه حاصله از تحقیق نشان داد که سطح توسعه یافتگی نواحی روستایی با یکدیگر برابر نیست و روستاها از نظر توسعه یافتگی در سطح پائینی قرار دارند لذا شایسته است برنامه ریزان توسعه روستایی توجه بیشتر خود را به افزایش ابعاد توسعه معطوف سازند.

واژگان کلیدی

مدل موريس، توسعه روستایی، توسعه ناحیه‌ای، شاخص‌های توسعه، داراب.

مقدمه

اختلاف بین روستاها از لحاظ شاخص‌های توسعه در دوره‌ی معاصر به اندازه‌ای زیاد است که به نظر می‌رسد مقایسه آنها با یکدیگر علاوه بر نادرست بودن نتیجه‌ای نیز بدست ندهد. زیرا تعدادی از روستاها دارای امکانات بیشتری می‌باشند و همچنین سهولت دسترسی به امکانات به اندازه‌ای است که روستائیان ساکن در این روستاها هیچ تمایلی به مهاجرت ندارند.

برعکس در تعدادی دیگر از روستاها، ساکنان آنها چنان با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند که گویی از نظر فقدان امکانات زیستی، چهره‌ی روستاهای صدها سال پیش را در ذهن متبادر می‌کنند. با توجه به چنین شرایطی، عواملی مانند برنامه ریزی، مدیریت روستایی و سرمایه‌گذاری در زمینه برنامه ریزی توسعه روستایی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. زیرا برنامه ریزی به عنوان شالوده و پایه فعالیت‌های مدیران همواره به آینده می‌نگرد، آینده‌ای که زمانی به گذشته تبدیل خواهد شد. از طرف دیگر در چنین محیط‌هایی که هر روز مشکلات آنها رو به فزونی است، تنها در صورت وجود اطلاعات است که برنامه ریزان و مدیران می‌توانند سطح اطمینان برنامه ریزی را به حداکثر برسانند.

اگر به اختلاف‌های ساختاری روستاها بیندیشیم، بسیاری از این اختلافها، به وسیله چشم اندازهایی نظیر، عمران روستایی، به ارزش رساندن منابع، فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی، فضاها، فرهنگی، سطح زندگی، عدم تساوی در دسترسی به امکانات و خدمات، و انتظارات برای آینده مشاهده می‌شود، لذا برای رفع این اختلافات، برنامه ریزی همه جانبه روستایی، ضرورت می‌یابد. (مطیمی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲)

به هر حال تأکید بر برنامه ریزی مراکز روستایی، حاصل توجه مجدد به توسعه روستایی به عنوان بخشی از یک راهبرد نیازهای اساسی است که برابری بیشتری در توزیع منافع ناشی از تلاش برای توسعه ملی را مورد تأکید قرار می‌دهد. نیازهای اساسی یاد شده، نه تنها شامل خدمات اجتماعی است بلکه در آمد یعنی همان کار تولیدی بهتر را نیز در بر می‌گیرد. (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱: ۵)

در فرآیند برنامه ریزی و توسعه نواحی روستایی نیز شناخت نواحی روستایی از لحاظ وضع موجود و سطح توسعه یافتگی، بررسی تفاوت‌های محلی و ناحیه‌ای در زمینه توسعه، تبیین عوامل مؤثر در توسعه و نهایتاً تلاش برای حل مسائل و مشکلات و تأمین نیازها در راستای تعدیل نابرابری‌های موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تحلیلی بر سطوح

توسعه یافتگی

نواحی روستایی

داراب با تأکید

بر مدل موريس

دکتر علی شکور

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شیراز

مرضیه موغلی

علی وخشوری

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لارستان

میان دهستان‌ها در زمینه میزان توسعه یافتگی و در نتیجه ارائه راه کارها می‌باشد.

مشخصات جغرافیایی شهرستان داراب

شهرستان داراب در جنوب شرقی استان فارس، در طول جغرافیایی ۵۴ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی و ۲۸ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی و در منتهی الیه جنوب شرقی زاگرس و در حوضه آب ریز جنوبی این رشته کوه واقع شده است.

از غرب به فسا، از شرق به استان هرمزگان، از شمال به نی ریز و استهبان و از جنوب به شهرستان زرین دشت منتهی می‌گردد. (شکور، ۱۳۷۹: ۱۰)

این شهرستان ۶۵۴۰ کیلومتر مربع وسعت، ۳ بخش، ۱ نقطه شهری، ۱۲ دهستان و ۲۹۷ آبادی دارد. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس، ۱۳۸۲: ۵)

مرکز این ناحیه شهرستان داراب است که در فاصله ۲۳۰ کیلومتری جنوب شرق شیراز قرار دارد. جمعیت شهرستان طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ برابر ۲۱۰۹۳۵ نفر بوده که ۳۲۶۵۵ نفر در نقاط روستایی و بقیه در شهرها ساکن بوده‌اند. میزان متوسط بارندگی طبق آمارهای ۳۰ ساله هواشناسی، ۲۵۰ میلیمتر گزارش شده است. در شهرستان شرایط آب و هوایی گرم و خشک تا نیمه خشک حاکم است. دمای هوادر طول سال از ۲/۶ تا ۴۳/۳ درجه سانتی گراد متغیر است. این تغییرات در فصول مختلف به جز در موارد استثنایی برای کشت محصولات کشاورزی و پرورش دام عامل بازدارنده‌ای به حساب نمی‌آید.

نظریه‌ها و مدل‌ها

برنامه‌های توسعه روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور به شمار می‌روند که برای دگرگون سازی ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه روستایی به کار می‌روند. این برنامه‌ها توسط کارگزاران دولت در مناطق روستایی اجرا می‌شوند. این امر در میان کشورهای در حال توسعه، که دولت نقش اساسی در تلاش برای تجدید ساختمان جامعه به منظور هماهنگی با اهداف سیاسی و اقتصادی خاص به عهده دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (عالی پور، ۱۳۷۱: ۱۲). توسعه روستایی بر ایجاد تحول و توسعه در تمام سطوح و اقشار اجتماعی و عموم زمینه‌های عملیاتی مرتبط تأکید دارد و تغییر و تکامل در نظام‌های اجتماعی و سازماندهی امور را ضروری می‌داند (شهبازی، ۱۳۸۱: ۲). روستاهای ایران لاجرم می‌بایست از زندگی سنتی خود به زندگی مدرن وارد شوند و در حقیقت عبور از سنت (۶) به مدرنیته (۷) امری اجتناب‌ناپذیر است و حتی در حال حاضر عبور از مدرنیته به فرامدرن (پست مدرن) و حتی فراتر از فرامدرن (پست، پست مدرنیسم) در بسیاری از کشورها در حال تحقق است (تافلر، ۱۳۷۷). در زمینه تحلیل و تبیین پدیده توسعه و توسعه نیافتگی نظریه‌های متعددی از جمله نظریه‌های اقتصادی رشد و توسعه (۸)، نظریه‌های جامعه شناختی نوسازی، (۹) پساتوسعه گرایی (۱۰) و... مطرح شده است که عمدتاً در مقیاس کلان و در سطح جهانی و ملی به تبیین توسعه می‌پردازند. (پت، ۱۹۹۹) مشهورترین نظریه‌ها در این

در این راستا شاخصها و نماگرها می‌توانند منعکس کننده شرایط اقتصادی و اجتماعی باشند و جمع آوری اطلاعات و داده‌های لازم پیرامون آنها باعث می‌شود که بتوان کم و کیف توسعه را در زمینه‌های مختلف به طور دقیق نشان داد. شاخص‌های درآمد، بهداشت، آموزش، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، انرژی، مسکن و امکانات حمل و نقل و ارتباطات، از جمله شاخص‌هایی هستند که می‌توانند وضع برخورداری یا محرومیت و فقر نواحی روستایی را نشان دهند. (شبان، ۲۰۰۰: ۱۰۳)

از آنجایی که باید در تمامی برنامه ریزی‌ها از جمله برنامه ریزی‌های ناحیه‌ای از مقوله سنجیدگی (۱) استفاده نمود لذا روش‌ها و مدل‌های کمی مانند تحلیل تاکسونومی (۲)، موریس (۳)، اسکالوگرام (۴)، میزان سنج نهادی گاتمن (۵) و... با داشتن زبان ریاضی و با قابلیت ترکیب و تلفیق شاخص‌ها و متغیرهای توسعه، کاربرد گسترده‌ای در تعیین و تحلیل سطوح توسعه برخورداری نواحی روستایی دارند. (برهنی، ۱۹۸۵: ۱۵۱)

پژوهش حاضر با هدف سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان داراب در زمینه‌های مختلف و با استفاده از شاخص‌های متغیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام شده است. در این زمینه با توجه به محدودیت‌ها و تنگناهای موجود در فرایند کار، به تعیین ۲۳ شاخص و متغیر توسعه در زمینه‌های فوق اکتفا شد و از منابع نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی ۱۳۷۲ و شناسنامه آبادی‌های کشور ۱۳۸۰ و همچنین نتایج سرشماری کارگاه‌های کشور ۱۳۷۳، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز گردآوری و تنظیم گردید. پس از گردآوری و تحلیل اطلاعات و داده‌ها، سطوح توسعه یافتگی دهستانها با مدل موریس محاسبه گردید. در تمامی مراحل فوق از بسته‌های نرم‌افزاری S.P.S.S استفاده شده است.

روش تحقیق

با توجه به اینکه مدل موریس با داشتن زبان ریاضی و قابلیت ترکیب و تلفیق شاخص‌ها و متغیرهای توسعه، کاربرد گسترده‌ای در تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی دارد، بنابراین در تحلیل فوق، از این مدل استفاده شده است. این امکانات وقتی با نرم‌افزار آماری S.P.S.S به کار گرفته می‌شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در تحقیق حاضر با استفاده از مدل موریس و با ۲۳ متغیر که از منابع مختلف گردآوری شده است به سنجش درجه توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان پرداخته شده و سپس به تحلیل و تعیین سطوح توسعه یافتگی اقدام گردیده است.

هدف تحقیق

هدف تحقیق، محاسبه میزان توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان بر اساس مدل موریس می‌باشد. این آزمایش بر اساس سنجش سطوح توسعه یافتگی شامل سطوح توسعه اقتصادی، اجتماعی و خدماتی است. بنابراین تمام سعی و تلاش بر این اصل استوار است که پارامترها و متغیرهای توسعه روستایی ارزیابی شده و مورد سنجش قرار گیرند و برنامه‌های متناسب با آنها ارایه گردد. بنابراین هدف، تحلیل و تعیین علت نابرابری‌های موجود

بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری را منطقی و به طور کلی جهت فعالیتها را مشخص و از حیث مفهومی چارچوب مناسبی را برای هدف گذاری، تدوین و برنامه ریزی و ارزشیابی فعالیتها به دست می‌دهند. در واقع شاخص‌ها به عنوان نماگرها، ترجمان اهداف کلان و کیفی هستند که جهت‌گیری و سمت‌گیری به سوی اهداف را دقیق‌تر می‌کنند. دقت در جهت‌گیری از یک سو باعث عدم اتلاف منابع می‌شود و از سوی دیگر تحقق اهداف و سیاست‌های مورد نظر را ممکن می‌سازد. (طبرسا، ۱۳۸۰، ۱) جمعاً ۲۳ متغیر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند که متغیرها مربوط به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند.

یافته‌های تحقیق بر اساس تحلیل مدل موریس

برای سنجش میزان توسعه یافتگی دهستانهای شهرستان که از مدل موریس استفاده گردید، نتایجی حاصل شد. اگر چه وجود آمار و ارقام و شاخص‌های متعدد و پراکنده در موارد بسیاری زمینه سردرگمی و تردید در امر شناسایی نواحی و میزان توسعه یافتگی را فراهم می‌کند اما ادغام آنها بر اساس ضوابط علمی و رعایت نکات دقیق، شاخص‌ها را می‌تواند به اندازه کافی گویا و معنی دار سازد.

با نگاهی به جدول شماره ۱ مشخص می‌شود که ضریب توسعه یافتگی دهستان‌ها از حداقل ۱۴/۱۲ تا حداکثر ۶۷/۳۲ در نوسان است لذا با طبقه بندی ضریب توسعه یافتگی، دهستانهای شهرستان آنها را می‌توان به چهار سطح مختلف کیفیت شامل (۶۰ > توسعه یافته)، (توسعه نسبی < ۵۰)، (۵۰ < کمتر توسعه یافته < ۴۰)، (توسعه نیافته) طبقه بندی نمود. جدول شماره ۱ ضریب و کیفیت توسعه یافتگی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: ضریب و کیفیت توسعه یافتگی دهستانهای

شهرستان داراب با مدل موریس

نام دهستان	ضریب توسعه	کیفیت توسعه یافتگی
قلعه بیابان	۱۶/۲۳	۴۰ < توسعه نیافته
بالش	۱۴/۱۲	۴۰ < توسعه نیافته
پاسخن	۶۵/۳	۶۰ > توسعه یافته
فسارود	۶۶/۲	۶۰ > توسعه یافته
قریه الخیر	۳۶/۲۲	۴۰ < توسعه نیافته
نصروان	۵۳/۲	۶۰ < توسعه نسبی < ۵۰
هشیوار	۶۶/۲	۶۰ > توسعه یافته
بختاجرد	۲۰/۶۳	۴۰ < توسعه نیافته
رستاق	۶۷/۳۲	۶۰ > توسعه یافته
کوهستان	۱۷/۴۲	۴۰ < توسعه نیافته
فورگ	۴۰/۳۶	۵۰ < کمتر توسعه یافته < ۴۰
آبشور	۳۸	۴۰ < توسعه نیافته

منبع: یافته‌های پژوهش

خصوص نظریه‌های نوسازی، نئوکلاسیک و وابستگی هستند و سالهای اخیر رویکردهای نوینی نیز در زمینه توسعه مطرح شده است، که مهمترین آنها شامل مشارکت، توسعه از پائین، رویکرد نیازهای اساسی، رویکرد فقرزدایی، نظریه رشد نوین و رشد درون‌زا می‌باشد. (مادر، ۲۰۰۰: ۱۱)

به هر حال هدف نظریه‌های توسعه، تحلیل و تبیین نابرابری‌های موجود میان کشورها و مناطق و نواحی در زمینه توسعه است. در این زمینه واضح است که هیچ عامل ساده یا معینی مانند تعداد و تراکم جمعیت، آب و هوا و منابع طبیعی نمی‌تواند نابرابری در زمینه توسعه را تبیین کند.

به عنوان مثال هر چند بسیاری از کشورهای فقیر در نواحی گرم و مرطوب مداری قرار دارند ولی بسیاری نیز در این نواحی قرار ندارند. در مجموع بیشتر مطالعات موجود در زمینه توسعه عمدتاً در سطح جهانی و ملی به تبیین فرایند پدیده توسعه و توسعه یافتگی می‌پردازند، که در این راستا نابرابریهای موجود از لحاظ توسعه یافتگی بین قاره‌ها و مناطق نیز مشخص می‌شود. (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۵۲) برنامه عمران سازمان ملل متحد، الگویی برای درجه بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی (کالبدی - انسانی) به کار برده است که یکی از جدیدترین الگوهای رسمی به کار گرفته شده در سطح جهانی بوده و قابلیت گسترش و جایگزینی آنها در فضاهای مورد برنامه ریزی با مقیاس‌های مختلف و متنوع قابل اجرا می‌باشد که به نام الگوی موریس معروف است. (معمارزاده، ۱۳۷۴: ۱۸۵)

ضریب شاخص هر یک از متغیرهای به کار رفته در ضریب موریس که با Xi نشان داده می‌شود عبارتست از:

$$Xi = \frac{\text{اندازه حداقل } Xi - \text{اندازه واقعی } Xi}{\text{اندازه حداکثر } Xi - \text{اندازه حداقل } Xi}$$

این مدل با استفاده از داده‌های توصیفی هر واحد سکونتگاهی در مقایسه با واحدهای دیگر و بهره‌گیری از دو پارامتر اصلی زیر، سطح توسعه یافتگی را مشخص می‌کند:

۱- شاخص ناموزون موریس از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$Y_{ij} = \frac{X_{ij} - x_{imin}}{X_{i \max} - x_{imin}}$$

در این فرمول Y_{ij} شاخص ناموزون برای تغییر i ام در واحد j ام، x_{imin} متغیر i ام در واحد j ام، x_{imax} حداکثر مقدار i ام است (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰، ۱۵۳)

۲- شاخص اصلی توسعه که از طریق فرمول $D.I = \frac{\sum_{i=1}^n y_{ij}}{n}$ محاسبه می‌شود و در آن n تعداد شاخص‌های مورد مطالعه و $D.I$ شاخص اصلی توسعه است. ضریب شاخص توسعه موریس بین صفر تا ۱۰۰ نوسان دارد که هر چه به ۱۰۰ نزدیکتر باشد، سطح توسعه یافتگی بیشتر است.

بحث شاخص‌ها و متغیرها در دهستانهای مورد مطالعه

شاخص‌ها و متغیرها نشانگرهایی هستند که فرایند جمع آوری، طبقه

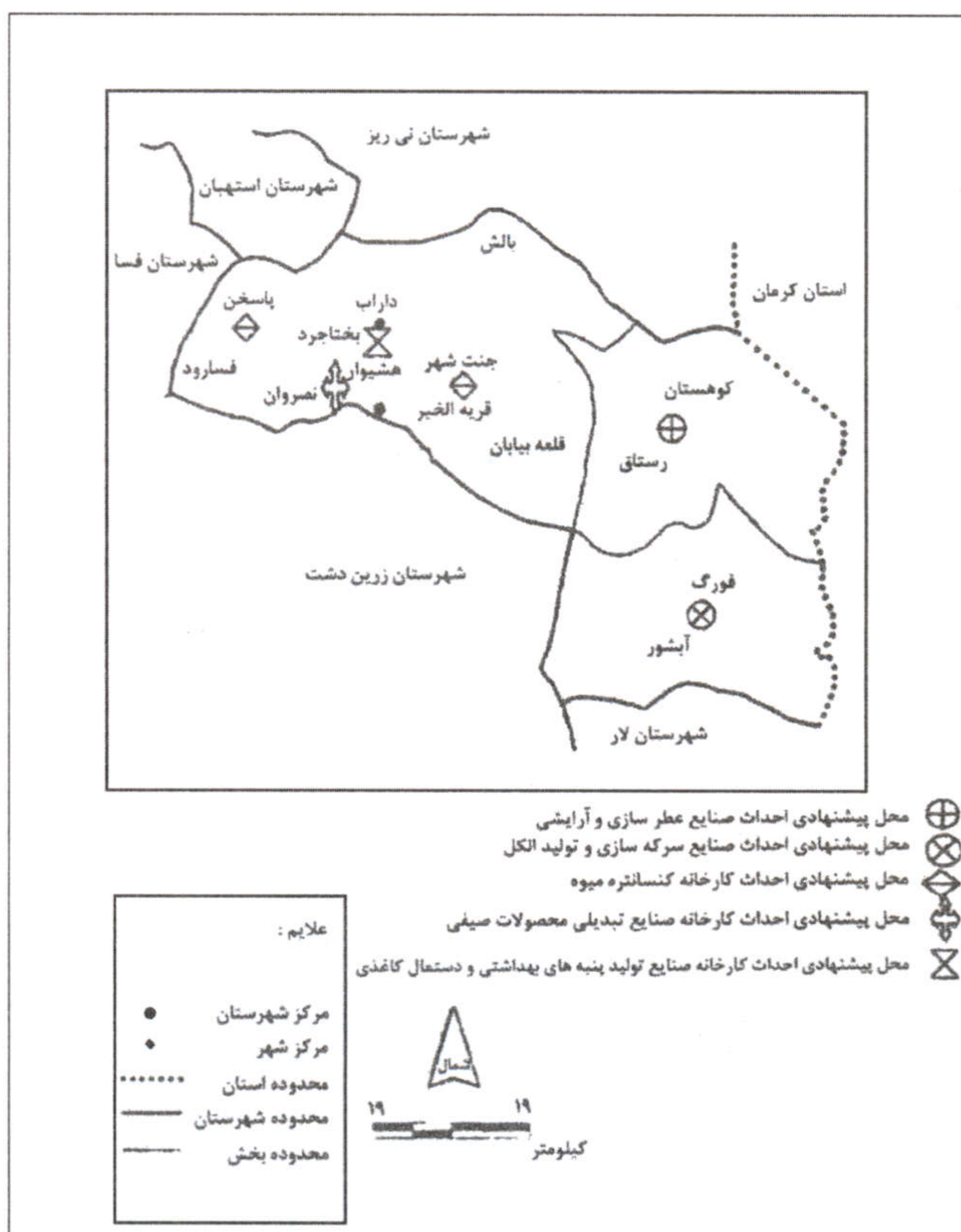
همبستگی بین سطوح کلی توسعه یافتگی و فاصله از مرکز شهرستان توجه کنیم می‌بینیم که این ضریب $0/79$ - و برای توسعه عوامل اجتماعی $0/89$ و برای عوامل اقتصادی $0/36$ - می‌باشد که هر کدام در سطح $0/06$ و $0/07$ و $0/09$ معنی دار می‌باشد. همچنین در مورد سطوح مختلف خدماتی نیز علی‌رغم پائین بودن سطح معنی داری، همبستگی منفی نسبتاً قوی بین توسعه و فاصله از مراکز وجود دارد.

چنانچه گفته شد شهرستان داراب دارای جمعیتی حدود 210935 نفر می‌باشد که از این تعداد فقط 32655 نفر در نقاط روستایی و بقیه در دو نقطه شهری ساکنند. پس می‌توان نتیجه گرفت شهرستان به دلیل وسعت و تعداد سکونتگاههای جمعیتی که قاعدتاً به پراکندگی جمعیت منجر می‌شود، از ویژگی خاصی برخوردار است. این ویژگی از یک طرف تنوع سکونتگاههای جمعیتی را در طیف وسیعی از تعداد آنها شامل می‌شود و از طرف دیگر قسمت وسیعی از سطح شهرستان را که جمعیت روستایی در آن قرار دارد، در بر گرفته است. نتیجه اینکه الگوی سطح بندی خدماتی را با محدودیت زیادی مواجه نموده است. از طرف دیگر به دلیل تعداد و تراکم اندک جمعیت در نواحی روستایی به دلیل مهاجرت‌های روستائیان به نواحی شهری نقش مؤثری در عدم افزایش و یا کاهش رشد جمعیت روستاها دارد. بنابراین پائین بودن جمعیت روستایی مانعی برای توسعه امکانات به شمار می‌رود. در شهرستان داراب نیز بین سطح توسعه یافتگی دهستانها با تعداد جمعیت آنها همبستگی بسیار قوی وجود دارد که متوسط این ضریب حدود $0/8$ می‌باشد که در سطح بالایی نیز معنی دار است. بنابراین باید تدابیری اندیشیده شود که جمعیت در نواحی روستایی ماندگار شود و از میزان مهاجرت‌ها به نواحی شهری کاسته گردد.

شهرستان داراب یکی از قطب‌های کشاورزی استان محسوب می‌شود و در چند فعالیت مهم کشاورزی شامل تولیدات گندم، ذرت، پنبه و مرکبات رتبه اول تا سوم استان را داراست. اما این تولیدات به یک نسبت در بین دهستانها متناسب نیست. مثلاً فسارود، پاسخن و قریه الخیر بزرگترین تولید کنندگان مرکبات هستند. هشیوار، بختاجرد، فورگ و آبشور، در تولید گندم، پنبه و ذرت منطقه نقش اساسی به عهده دارند. بنابراین با توجه به وابستگی اقتصادی روستاها به فعالیت کشاورزی و وابستگی کشاورزی به عوامل و شرایط محیطی به خصوص آب، فاکتور فوق نقش مؤثری در این زمینه دارد. به طوری که هنگامی بارش سالانه از توزیع نرمال خارج می‌شود و کم آبی و یا به عبارت صحیح‌تر خشکسالی در منطقه حاکم می‌گردد و تعادل دهستانها را به هم می‌زند. در این زمینه دهستانهای فورگ، آبشور، فسارود، پاسخن، هشیوار و نصران بیشتر از دهستانهای دیگر آسیب می‌بینند. بنابراین مهاجر فرست می‌شوند و تعادل را در سطح روستاها به هم می‌زنند. ضریب همبستگی که بین این عامل مهم یعنی آب و مهاجرت وجود دارد در سطح بالایی معنی دار است و همبستگی برای سطح کلی توسعه یافتگی $0/83$ می‌باشد که در سطح $0/02$ نیز معنی دار است. از دیگر متغیرهای مورد بررسی مانند متوسط جمعیت، مساحت دهستان، تراکم بیولوژیک و تراکم جمعیت نیز با سطح توسعه یافتگی ارتباط مثبت دارند.

با نگاهی به جدول شماره ۱ مشخص می‌شود که تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین سطح توسعه یافتگی دهستانهای شهرستان مشاهده می‌شود. با توجه به ضرایب بدست آمده مشخص می‌شود که دهستان نصران دارای توسعه نسبی است و دهستان‌های قلعه بیابان، بالش، قریه الخیر، بختاجرد، کوهستان و آبشور توسعه نیافته‌اند. دهستانهای پاسخن، فسارود، هشیوار و رستاق توسعه یافته می‌باشند و تنها دهستان فورگ جزء گروه کمتر توسعه یافته قرار می‌گیرد.

با توجه به نقشه شماره ۱ شهرستان داراب دارای سه بخش می‌باشد که دهستانهای فورگ و آبشور در یک بخش، دهستانهای کوهستان و رستاق در یک بخش و دیگر دهستانها در بخش مرکزی داراب قرار دارند. بنابراین پراکندگی نواحی روستایی از یکدیگر کاملاً مشهود است و همین عامل به عنوان یکی از مهمترین عوامل سطوح مختلف توسعه یافتگی است.



نقشه شماره ۱: محل پیشنهادی احداث صنایع در دهستانها

چون عامل فاصله روستاها و نواحی روستایی از مراکز شهری به عنوان عامل تأثیر گذار در این زمینه مطرح می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه شهرها به طور نسبی مرکز اختراعات می‌باشند، و با توجه به نظریه پخش و نوآوری، روستاهای نزدیک به شهرها از شاخص‌های توسعه بیشتری برخوردار می‌شوند. پس «فاصله» به عنوان یک عامل مهم در نظر گرفته می‌شود. اگر به ضریب

با توجه به جدول شماره ۱ که دهستانهای قلعه بیابان، کوهستان و بالش توسعه نیافته هستند به غیر از عوامل فوق الذکر عوامل دیگری نیز در توسعه نیافتگی آنها نقش دارد.

دو دهستان کوهستان و بالش در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند و جبر عوامل طبیعی مانند عامل توپوگرافی مانع از خدمات رسانی به آنها شده است پس بین عوامل جغرافیایی و توسعه خدمات در این مناطق همبستگی بسیار قوی وجود دارد. در مورد دهستان قلعه بیابان علاوه بر عوامل جغرافیایی پراکندگی بیش از حد روستاها عامل اساسی است.

بحث و نتیجه گیری

از دیرباز بخش کشاورزی نقش حیاتی را برای حکومت و ملت ایفا کرده و در حال حاضر نیز در کنار صنعت و خدمات نقش مهمی به عهده دارد. زراعت و باغداری دو محور اقتصاد روستایی و دو رکن مهم بخش کشاورزی هستند. اراضی که هم اکنون در شهرستان مورد استفاده قرار می‌گیرند، بیش از ۱۲۰۰۰۰ هکتار است. به دلیل اهمیت موضوع، جدول شماره ۲ رسم گردیده است.

جدول شماره ۲: سطح زیر کشت و میزان تولید محصولات عمده

داراب و مقایسه با استان

نام محصول	سطح زیر کشت (هکتار)	نسبت سطح زیر کشت شهرستان به استان	رتبه در استان	میزان تولید (تن)
گندم (آبی-دیم)	۹۰۰۰۰	٪۳۵	۳	۱۴۰۰۰۰
مرکبات	۱۰۰۰۰	٪۴۰	۱	۱۰۰۰۰۰
پنبه	۷۰۰۰	٪۳۴	۱	۲۰۰۰۰
ذرت دانه‌ای	۲۰۰۰۰	٪۲۰	۲	۹۰۰۰۰

منبع: محاسبات بر اساس آمارنامه استان فارس، ۱۳۸۲

چنانچه از جدول شماره ۲ مستفاد می‌گردد شهرستان داراب یکی از قطب‌های مهم تولید محصولات کشاورزی به شمار می‌رود که این تولیدات در نواحی روستایی انجام می‌گیرد که متأسفانه هیچ کدام از این نواحی توسعه‌ای ندارند و خالی شدن روستاها از جمعیت همچنان ادامه دارد. کشاورزی به عنوان زیر بنای رشد همه جانبه اقتصادی است. نقش به راه اندازنده رشد اقتصادی به این معنی نیست که انتخاب چنین راهی رسیدن به رشد مطلوب اقتصادی شهرستان را محکوم به تخصیص تولید محصولات کشاورزی می‌نماید. منظور این است که بدانیم چگونه بر اثر افزایش تدریجی تولیدات کشاورزی می‌توان از یک اقتصاد سنتی دارای بنیانهای کهنه و ابتدایی، به اقتصاد نوین واجد بنیان‌های پیچیده نایل شد. چنانچه مشخص گردید، ضریب موریس می‌تواند سطح توسعه یافتگی نواحی روستایی را مشخص کند و چنانچه شرح آن خواهد گذشت توسعه کشاورزی می‌تواند توسعه روستایی را ایجاد کند و با توجه به جدول شماره ۲ امکان ایجاد صنایع متکی به کشاورزی در منطقه وجود دارد. برای

دهستانهای مختلف شهرستان با توجه به تولیدات آنها پیشنهاداتی مطرح می‌شود. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که سطح توسعه یافتگی نواحی روستایی در زمینه‌های مختلف با یکدیگر متفاوتند. البته در برخی دهستانها یک سطح از توسعه نسبی وجود دارد. تفاوت‌های سطح توسعه بیانگر اولویت برنامه‌های توسعه در زمینه‌های اقتصادی است زیرا اگر توسعه اقتصادی در برنامه‌های توسعه روستایی گنجانده شود توسعه اجتماعی و خدماتی را نیز به دنبال خود می‌کشد و به نوعی، توسعه هماهنگ پدید می‌آورد. نکته مهمی که از تفاوت سطوح توسعه دهستانها آشکار شده، این است که در سطح محلی و ناحیه‌ای فواصل زیادی در نابرابریهای توسعه روستایی به چشم می‌خورد که باید برای تعدیل این کار توسعه نواحی عقب مانده در اولویت قرار داده شوند. در زمینه عواملی که در سطوح متفاوت توسعه در روستاها قابل مشاهده بودند بررسی‌ها حکایت از افزایش فاصله از شهرستان بوده است. بدین معنی که هر چه دهستانها از مرکز دورتر قرار گرفته بودند توسعه کمتری نیز مشاهده شد. البته این شرایط در سطح ناحیه در مورد تمام آنها صدق نمی‌کند و بستگی به شرایط محیطی و اقتصادی هر ناحیه روستایی دارد. مثلاً دهستان پاسخن و فسارود به دلیل کشاورزی و اقتصاد مسلط باغداری اگر چه فاصله بیشتری به مرکز نسبت به دهستان بختاجرد دارد ولی توسعه بیشتری هم در آنها مشاهده می‌شود و چنانچه جدول ضرایب نشان می‌دهد ضریب توسعه یافتگی این دو دهستان به ترتیب ۶۵/۳ و ۶۶/۲ می‌باشد در صورتیکه دهستان بختاجرد دارای ضریب ۲۰/۶۳ است. این تأثیر پذیری به دلیل وابستگی روستاهای این منطقه به فعالیت کشاورزی و اتکاء این فعالیت به منابع طبیعی و شرایط محیطی می‌باشد. نتایج بررسی‌ها نشان داد جمعیت نیز با سطح توسعه نواحی روستایی ارتباط دارد. این وضعیت به دلیل مشکلات ناشی از مهاجرت و کاهش رشد جمعیت در نواحی روستایی است، چراکه با توجه به آستانه‌های جمعیتی، حجم جمعیت هر دهستان سطح خدمات موجود در آن را مشخص می‌کند و اگر جمعیت در یک نقطه تثبیت شود افزایش منطقی آن می‌تواند زمینه را برای سرمایه‌گذاری و توسعه بیشتر نواحی روستایی فراهم نماید. به هر حال با توجه به نتایجی که از روش مدل موریس به دست آمد می‌توان ارزیابی نمود که این مدل کمی می‌تواند در تشخیص سطح توسعه و نابرابریهای مکانی به کار رود. پیشنهاداتی که برای دهستانها و توسعه آنها با توجه به سنجش و ارزیابی داده‌ها بدست آمده، شامل موارد ذیل است:

دهستانهای و توسعه آنها با توجه به سنجش و ارزیابی داده‌ها بدست آمده است شامل موارد ذیل است:

دهستانهای فورگ و آبشور از تولید کنندگان اصلی خرما و انگور در منطقه می‌باشند که سالانه مقادیر قابل توجهی از این محصولات یا از بین می‌روند و یا با قیمت کمی به دست واسطه‌ها می‌افتد و سودی عاید مردم منطقه نمی‌شود. در این دو نقطه به دلیل همجواری با دهستان کوهستان و بالش بایستی صنایع تولید الکل و سرکه سازی احداث گردد. که در این

زمستان ۸۳

- ۵- سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس، آمارنامه استان فارس، ۱۳۸۲.
- ۶- سازمان برنامه و بودجه، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸.
- ۷- شکور، علی (۱۳۷۹) جغرافیای داراب، شیراز: انتشارات زر.
- ۸- شکور، علی (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای اقتصادی داراب، شیراز: انتشارات راهگشا.
- ۹- شهبازی، اسماعیل (۱۳۸۱)، توسعه و ترویج روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- عالی پور، فرحناز، (۱۳۷۱)، توسعه روستایی محورها و لوازم، ماهنامه جهاد، سال دوازدهم، شماره ۱۵۱.
- ۱۱- طبرسا، غلامعلی، (۱۳۸۰) تبیین شاخص‌های فرهنگی، ج اول: کتاب و کتابخوانی، تهران: کتاب پرواز.
- ۱۲- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی کشور، ۱۳۷۲.
- ۱۳- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن کشور، ۱۳۷۵.
- ۱۴- مطیعی لنگرودی، حسن، (۱۳۸۲) برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۵- مهندسان مشاور DHV هلند، (۱۳۷۱)، رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، انتشارات روستا توسعه، شماره ۱۰، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد کشاورزی، نشر ارغنون.

- 16- Berheny, M and A. Hooper, (1985) *Rationality in Planning*, London.
- 17- Hodder, R. (2000) *Development Geography*, Routledge London.
- 18- Peet, R, (1999) *Theories of Development*, the Guilford Press, London.
- 19- Shaban, A. Bhole, L.M (2000), "Regional Disparities in Rural Development in India" *Journal of Development*, vol 19, PP 103- 117, Hyderabad NIRD.

پی نوشت

- 1- Rationality.
- 2- Taxonomy Analysis
- 3- Morris model
- 4- Scalogram
- 5- Gatman model
- 6- Tradition
- 7- Modernite
- 8- Economic theories of Growth Development
- 9- Sociological theories of modernization
- 10- Postdevelopmentalism.

صورت دهستانهای رستاق و حتی قلعه بیابان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از طرف دیگر دهستانهای پاسخن، فسارود و قریه الخیر که بر روی هم داراب را دارای مقام اول تولید مرکبات فارس نموده‌اند هر ساله تمامی محصولات خود را به سایر استانهای کشور صادر و یا به دلیل وجود واسطه‌ها سودی عاید نمی‌گردد. که در این مناطق نیز ایجاد کارخانه کنسانتره میوه ضروری است. یکی دیگر از اقداماتی که در دهستانهای بالش و کوهستان و رستاق می‌تواند انجام گیرد احداث کارخانه صنایع آرایشی و عطر سازی است. این مناطق به دلیل قرارگیری در موقعیت کوهستانی بزرگترین تولید کنندگان گل سرخ می‌باشد که این محصول پرارزش که با کمترین هزینه تولید به دست می‌آید به راحتی از منطقه خارج و به کشورهای حوزه خلیج فارس و بعضاً به بازارهای اروپا ارسال می‌گردد. اگر در این منطقه صنایع مربوطه احداث گردد سود سرشاری را عاید مردم منطقه خواهد کرد.

دهستانهای دیگر داراب نیز هر کدام به نوعی تولید کنندگان بزرگ ذرت پنبه و گندم می‌باشند که چنانچه گفته شد مقام اول تا سوم تولید فارس را دارا می‌باشند. بنابراین جهت توسعه این مناطق لازم است صنایع تبدیلی و کارخانه‌ای نیز در منطقه ایجاد گردد. مثلاً شهرستان هم اکنون فاقد یک کارخانه آرد می‌باشد و گندم منطقه به شهرستانهای همجوار (جهرم، شیراز) صادر و در آنجا تبدیل به آرد شده و سپس به منطقه باز می‌گردد که این امر اشتغال زایی این محصول را تقریباً از بین برده است.

بنابراین احداث کارخانه آرد در اطراف یکی از دهستانها که بر سر راه ارتباطی قرار گرفته است (دهستان هشیوار) ضروری است. با توجه به تولیدات صیفی مانند خیار سبز، بادمجان، گوجه فرنگی و... که هر ساله با افت ناگهانی قیمت از بین می‌روند با ایجاد صنایع تبدیلی میتوان فعالیت‌های اشتغال‌زایی ایجاد نمود. با توجه به اینکه هم اکنون داراب مقام اول تولید پنبه را در استان داراست و اگر چه این منطقه دارای یک کارخانه پنبه پاک کنی است ولی می‌توان با ایجاد صنایع مرتبط با آن ضریب اشتغال‌زایی دهستانها را افزایش داد. مثلاً احداث صنایعی که مواد اولیه آنها پنبه است و در چارچوب صنایع روستایی قرار می‌گیرد مانند تولید دستمال کاغذی و پنبه‌های بهداشتی و... ضروری است. اقدام مؤثرتر دیگر برای منطقه، احداث کارخانه روغن کشی است. به عنوان آخرین پیشنهاد با توجه به تولید گونه‌ای از گندم به نام دورم که در تولید ماکارونی به کار می‌رود احداث چنین کارخانه‌ای برای منطقه ضروری به نظر می‌رسد.

منابع و مآخذ

- ۱- آسایش، حسین (۱۳۷۶)، اصول و روش‌های برنامه ریزی ناحیه‌ای، تهران: انتشارات پیام‌نور.
- ۲- تافلر، الوین (۱۳۷۷)، موج سوم، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران: نشر علم.
- ۳- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۲)، برنامه ریزی ناحیه‌ای، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سنندج، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۳ پاییز و